

## گفت‌وگو با رضا نیازمند درباره خودش

# عزیزترین دارایی من وطنم است



عکس: نسیم اعتضادی / شهرود

این که خودش هم از وزارت اقتصاد برود اما شما موفق به تولید خودرو می‌شوید؛ داستان چه بود؟ یک آلمانی از بنز آمده بود تا خودرو تولید کند و مجوز می‌خواست، هیچ برنامه‌ای نداشتند؛ من هم آن موقع همه جا حرف عالی‌جنانی بود؟ بله، همه جا حرف او بود.

اگر شما قرار باشد برنامه توسعه ایران را بنویسید، اولویت توسعه را روی چه می‌گذارید؟ این چیزی نیست که به راحتی بتوان گفت، باید گروهی مشخص شود و این گروه ۵ سال فکر کند و بعد بتواند برای این اولویت‌بندی برنامه‌ای بگذارد؛ بدون مطالعه نمی‌شود تا حالا بدون مطالعه کار کردیم، کافی است.

به نظر شما در ایران ثروت تولید می‌شود؟ فروش نفت که تولید ثروت نیست.

ما اصولاً از کودکی طوری تربیت نمی‌شویم که فکر کنیم و برنامه‌ای بریزیم و بعد نتیجه آن را ببینیم. شما در سال‌های اخیر کتاب‌هایی در حوزه علوم دینی و مذهبی نوشتنید. تحقیق‌های تاریخی و مذهبی کردید؛ چرا؟

در ایران تحولی شده، همه جا حرف از دین شده بود. گفتم خوب نیست من ساکت بنشینم. از این رو روی کتاب آسمانی ما که همان قرآن مجید است، تحقیق کردم. می‌خواستم ببینم رهنمودهای قرآنی در رابطه با کارهایی که می‌خواهیم بکنیم چیست. قرآن کتاب بسیار مهمی است. میلیون‌ها تن در تمام دنیا به این کتاب مسوگند می‌خورند؛ این بود که سراغ تحقیق مسائل مذهبی رفتم.

این که ما هیچ وقت منظم نبودیم. در هیچ کاری تلاطم نداشتیم. چه زمانه دلتان خیلی سوخت؟ شاید بتوانم بگویم یک زمانی تیمی روی کار آمد که در رأس آن عالی‌جنانی قرار داشت و چند نفر هم اطرافش بودند. اما خیلی زود آن بی‌نظمی ذاتی ما و آن به سرانجام نرسیدن برنامه‌های ما سبب شد که این تیم پرآکنده شود. ای کاش این تیم می‌ماند و کارهای بیشتری انجام می‌داد. منافع شخصی یک عده‌ای سبب خراب شدن کار هاشد.

شما هیچ وقت متوجه شدید که چرا شاه، عالی‌جنانی را برکنار کرد؟ من فکر می‌کنم که شاه کمی از عالی‌جنانی ترسید. از نفوذ او ترسید. هر چند که نفوذ او چندان توسعه پیدا نکرده بود. اما شاه آدم جسودی بود و به معروفیت و رواج اسرورم عالی‌جنانی حسادت می‌کرد. شاه فکر می‌کرد اگر اینگونه اجازه بدهد که عالی‌جنانی پیش برود، ممکن است فردا نخست‌وزیر شود و این از نظر او خوب نبود.

در زمانی که معاون وزیر اقتصاد بودید. داشتیم. اما کسی گوش نمی‌داد. طرفدار نداشتم. مشکل اصلی چه کسی بود؟ واقعا نمی‌دانم. فکر نادرستی بود که کشاورزی را بچه صیغه‌ای می‌دانستند. به آن رسیدگی نمی‌کردند. هر کسی برنامه داشت، در حوزه صنعت فلزی و... بود. در حالی که کشاورزی در آن زمان بسیار قوی تر بود و بخش بود که بیشتر روی آن متمرکز می‌شدیم. در آن زمان کسی برای استفاده از زمین و آب برنامه بهتری نداشت. اصلاً مهندس کشاورزی بودن در آن زمان نوعی کار درجه دوم بود.

شما که پنجشنبه‌ها با هم جلسه داشتید؟ بله. با هم بودیم. سعی داشتیم چون در یک جهت هستیم با هم، هماهنگی هم داشته باشیم، اما لزوماً همیشه این هماهنگی اتفاق نمی‌افتاد.

مشکل اصلی کج بود؟ مشکل این بود که در مملکت ما هیچ وقت یک گروه فکری نبودند که افکار خودشان را رایج کنند و بقیه هم اطراف آنها را بگیرند. در آن زمان همه سیاق و سباق بود. در آن زمان هر وقت درباره کشاورزی حرف زده می‌شد، همه اخویف می‌کردند. زارعی که بعد صاحب زمین شد، به فکر سیر کردن شکم خودش رفت و ارزش افزوده از بین رفت. اصلاحات ارضی کشاورزی ایران را بی‌صاحب کرد.

شما بدون واسطه با شاه دیدار می‌کردید. می‌توانستید صحبت‌های خود را داشته باشید؟ بله. در حالی که اولاً همواره ما کارهایمان اینگونه بود. گویی ما نسبت به چنین اقداماتی از روی هوس اقدام کردیم. رفتم دنبال کاری و بعد وسط راه همه چیز را بهم زدیم و صورت مسئله را هم پاک کردیم.

توسعه را از انقلاب چطور؟ آن زمان می‌خواستند؟ شاید بهتر است بگویم پیش از انقلاب هم مثل حالا بود. یعنی توسعه پیدا کنیم. تفکرش هم هست، اما جدی نیست. از این گذشته در مفهوم آن هم دچار مشکل هستیم، چرا که افراد مختلف تعاریف متفاوتی از آن ذهن‌شان است. از این رو همه در یک جهت قرار نداریم. برخی می‌خواهند بر برخی هم نمی‌خواهند. علاوه بر این بر سر خود توسعه هم هنوز حرف هست. یعنی عده‌ای هنوز نمی‌دانند توسعه چیست و خوب است یا بد. نظرها متفاوت است.

پیش از انقلاب چطور؟ آن زمان می‌خواستند؟ شاید بهتر است بگویم پیش از انقلاب هم مثل حالا بود. یعنی توسعه پیدا کنیم. تفکرش هم هست، اما جدی نیست. از این گذشته در مفهوم آن هم هستیم با هم، هماهنگی هم داشته باشیم، اما لزوماً همیشه این هماهنگی اتفاق نمی‌افتاد.

شما که پنجشنبه‌ها با هم جلسه داشتید؟ بله. با هم بودیم. سعی داشتیم چون در یک جهت هستیم با هم، هماهنگی هم داشته باشیم، اما لزوماً همیشه این هماهنگی اتفاق نمی‌افتاد.

مشکل این بود که در مملکت ما هیچ وقت یک گروه فکری نبودند که افکار خودشان را رایج کنند و بقیه هم اطراف آنها را بگیرند. در آن زمان همه سیاق و سباق بود. در آن زمان هر وقت درباره کشاورزی حرف زده می‌شد، همه اخویف می‌کردند. زارعی که بعد صاحب زمین شد، به فکر سیر کردن شکم خودش رفت و ارزش افزوده از بین رفت. اصلاحات ارضی کشاورزی ایران را بی‌صاحب کرد.

شما که پنجشنبه‌ها با هم جلسه داشتید؟ بله. با هم بودیم. سعی داشتیم چون در یک جهت هستیم با هم، هماهنگی هم داشته باشیم، اما لزوماً همیشه این هماهنگی اتفاق نمی‌افتاد.

مشکل این بود که در مملکت ما هیچ وقت یک گروه فکری نبودند که افکار خودشان را رایج کنند و بقیه هم اطراف آنها را بگیرند. در آن زمان همه سیاق و سباق بود. در آن زمان هر وقت درباره کشاورزی حرف زده می‌شد، همه اخویف می‌کردند. زارعی که بعد صاحب زمین شد، به فکر سیر کردن شکم خودش رفت و ارزش افزوده از بین رفت. اصلاحات ارضی کشاورزی ایران را بی‌صاحب کرد.

شما که پنجشنبه‌ها با هم جلسه داشتید؟ بله. با هم بودیم. سعی داشتیم چون در یک جهت هستیم با هم، هماهنگی هم داشته باشیم، اما لزوماً همیشه این هماهنگی اتفاق نمی‌افتاد.

ببینید از نظر همه توسعه خوب است. هیچ وقت کسی پیدا نشد که بگوید با توسعه مخالف است. اما مسئله این است که ما هیچ وقت به صورت منظم برای رسیدن به توسعه عزمان را جزم نکردیم و تبعاتش را هم نپذیرفتیم.

ببینید از نظر همه توسعه خوب است. هیچ وقت کسی پیدا نشد که بگوید با توسعه مخالف است. اما مسئله این است که ما هیچ وقت به صورت منظم برای رسیدن به توسعه عزمان را جزم نکردیم و تبعاتش را هم نپذیرفتیم.

ببینید از نظر همه توسعه خوب است. هیچ وقت کسی پیدا نشد که بگوید با توسعه مخالف است. اما مسئله این است که ما هیچ وقت به صورت منظم برای رسیدن به توسعه عزمان را جزم نکردیم و تبعاتش را هم نپذیرفتیم.

ببینید از نظر همه توسعه خوب است. هیچ وقت کسی پیدا نشد که بگوید با توسعه مخالف است. اما مسئله این است که ما هیچ وقت به صورت منظم برای رسیدن به توسعه عزمان را جزم نکردیم و تبعاتش را هم نپذیرفتیم.

ببینید از نظر همه توسعه خوب است. هیچ وقت کسی پیدا نشد که بگوید با توسعه مخالف است. اما مسئله این است که ما هیچ وقت به صورت منظم برای رسیدن به توسعه عزمان را جزم نکردیم و تبعاتش را هم نپذیرفتیم.

ببینید از نظر همه توسعه خوب است. هیچ وقت کسی پیدا نشد که بگوید با توسعه مخالف است. اما مسئله این است که ما هیچ وقت به صورت منظم برای رسیدن به توسعه عزمان را جزم نکردیم و تبعاتش را هم نپذیرفتیم.

ببینید از نظر همه توسعه خوب است. هیچ وقت کسی پیدا نشد که بگوید با توسعه مخالف است. اما مسئله این است که ما هیچ وقت به صورت منظم برای رسیدن به توسعه عزمان را جزم نکردیم و تبعاتش را هم نپذیرفتیم.

ببینید از نظر همه توسعه خوب است. هیچ وقت کسی پیدا نشد که بگوید با توسعه مخالف است. اما مسئله این است که ما هیچ وقت به صورت منظم برای رسیدن به توسعه عزمان را جزم نکردیم و تبعاتش را هم نپذیرفتیم.

ببینید از نظر همه توسعه خوب است. هیچ وقت کسی پیدا نشد که بگوید با توسعه مخالف است. اما مسئله این است که ما هیچ وقت به صورت منظم برای رسیدن به توسعه عزمان را جزم نکردیم و تبعاتش را هم نپذیرفتیم.

ببینید از نظر همه توسعه خوب است. هیچ وقت کسی پیدا نشد که بگوید با توسعه مخالف است. اما مسئله این است که ما هیچ وقت به صورت منظم برای رسیدن به توسعه عزمان را جزم نکردیم و تبعاتش را هم نپذیرفتیم.

ببینید از نظر همه توسعه خوب است. هیچ وقت کسی پیدا نشد که بگوید با توسعه مخالف است. اما مسئله این است که ما هیچ وقت به صورت منظم برای رسیدن به توسعه عزمان را جزم نکردیم و تبعاتش را هم نپذیرفتیم.

ببینید از نظر همه توسعه خوب است. هیچ وقت کسی پیدا نشد که بگوید با توسعه مخالف است. اما مسئله این است که ما هیچ وقت به صورت منظم برای رسیدن به توسعه عزمان را جزم نکردیم و تبعاتش را هم نپذیرفتیم.

ببینید از نظر همه توسعه خوب است. هیچ وقت کسی پیدا نشد که بگوید با توسعه مخالف است. اما مسئله این است که ما هیچ وقت به صورت منظم برای رسیدن به توسعه عزمان را جزم نکردیم و تبعاتش را هم نپذیرفتیم.

ببینید از نظر همه توسعه خوب است. هیچ وقت کسی پیدا نشد که بگوید با توسعه مخالف است. اما مسئله این است که ما هیچ وقت به صورت منظم برای رسیدن به توسعه عزمان را جزم نکردیم و تبعاتش را هم نپذیرفتیم.

ببینید از نظر همه توسعه خوب است. هیچ وقت کسی پیدا نشد که بگوید با توسعه مخالف است. اما مسئله این است که ما هیچ وقت به صورت منظم برای رسیدن به توسعه عزمان را جزم نکردیم و تبعاتش را هم نپذیرفتیم.

ببینید از نظر همه توسعه خوب است. هیچ وقت کسی پیدا نشد که بگوید با توسعه مخالف است. اما مسئله این است که ما هیچ وقت به صورت منظم برای رسیدن به توسعه عزمان را جزم نکردیم و تبعاتش را هم نپذیرفتیم.

ببینید از نظر همه توسعه خوب است. هیچ وقت کسی پیدا نشد که بگوید با توسعه مخالف است. اما مسئله این است که ما هیچ وقت به صورت منظم برای رسیدن به توسعه عزمان را جزم نکردیم و تبعاتش را هم نپذیرفتیم.

ببینید از نظر همه توسعه خوب است. هیچ وقت کسی پیدا نشد که بگوید با توسعه مخالف است. اما مسئله این است که ما هیچ وقت به صورت منظم برای رسیدن به توسعه عزمان را جزم نکردیم و تبعاتش را هم نپذیرفتیم.

ببینید از نظر همه توسعه خوب است. هیچ وقت کسی پیدا نشد که بگوید با توسعه مخالف است. اما مسئله این است که ما هیچ وقت به صورت منظم برای رسیدن به توسعه عزمان را جزم نکردیم و تبعاتش را هم نپذیرفتیم.

ببینید از نظر همه توسعه خوب است. هیچ وقت کسی پیدا نشد که بگوید با توسعه مخالف است. اما مسئله این است که ما هیچ وقت به صورت منظم برای رسیدن به توسعه عزمان را جزم نکردیم و تبعاتش را هم نپذیرفتیم.

ببینید از نظر همه توسعه خوب است. هیچ وقت کسی پیدا نشد که بگوید با توسعه مخالف است. اما مسئله این است که ما هیچ وقت به صورت منظم برای رسیدن به توسعه عزمان را جزم نکردیم و تبعاتش را هم نپذیرفتیم.

ببینید از نظر همه توسعه خوب است. هیچ وقت کسی پیدا نشد که بگوید با توسعه مخالف است. اما مسئله این است که ما هیچ وقت به صورت منظم برای رسیدن به توسعه عزمان را جزم نکردیم و تبعاتش را هم نپذیرفتیم.

ببینید از نظر همه توسعه خوب است. هیچ وقت کسی پیدا نشد که بگوید با توسعه مخالف است. اما مسئله این است که ما هیچ وقت به صورت منظم برای رسیدن به توسعه عزمان را جزم نکردیم و تبعاتش را هم نپذیرفتیم.

ببینید از نظر همه توسعه خوب است. هیچ وقت کسی پیدا نشد که بگوید با توسعه مخالف است. اما مسئله این است که ما هیچ وقت به صورت منظم برای رسیدن به توسعه عزمان را جزم نکردیم و تبعاتش را هم نپذیرفتیم.

ببینید از نظر همه توسعه خوب است. هیچ وقت کسی پیدا نشد که بگوید با توسعه مخالف است. اما مسئله این است که ما هیچ وقت به صورت منظم برای رسیدن به توسعه عزمان را جزم نکردیم و تبعاتش را هم نپذیرفتیم.

ببینید از نظر همه توسعه خوب است. هیچ وقت کسی پیدا نشد که بگوید با توسعه مخالف است. اما مسئله این است که ما هیچ وقت به صورت منظم برای رسیدن به توسعه عزمان را جزم نکردیم و تبعاتش را هم نپذیرفتیم.

ببینید از نظر همه توسعه خوب است. هیچ وقت کسی پیدا نشد که بگوید با توسعه مخالف است. اما مسئله این است که ما هیچ وقت به صورت منظم برای رسیدن به توسعه عزمان را جزم نکردیم و تبعاتش را هم نپذیرفتیم.

ببینید از نظر همه توسعه خوب است. هیچ وقت کسی پیدا نشد که بگوید با توسعه مخالف است. اما مسئله این است که ما هیچ وقت به صورت منظم برای رسیدن به توسعه عزمان را جزم نکردیم و تبعاتش را هم نپذیرفتیم.

ببینید از نظر همه توسعه خوب است. هیچ وقت کسی پیدا نشد که بگوید با توسعه مخالف است. اما مسئله این است که ما هیچ وقت به صورت منظم برای رسیدن به توسعه عزمان را جزم نکردیم و تبعاتش را هم نپذیرفتیم.

ببینید از نظر همه توسعه خوب است. هیچ وقت کسی پیدا نشد که بگوید با توسعه مخالف است. اما مسئله این است که ما هیچ وقت به صورت منظم برای رسیدن به توسعه عزمان را جزم نکردیم و تبعاتش را هم نپذیرفتیم.

ببینید از نظر همه توسعه خوب است. هیچ وقت کسی پیدا نشد که بگوید با توسعه مخالف است. اما مسئله این است که ما هیچ وقت به صورت منظم برای رسیدن به توسعه عزمان را جزم نکردیم و تبعاتش را هم نپذیرفتیم.

ببینید از نظر همه توسعه خوب است. هیچ وقت کسی پیدا نشد که بگوید با توسعه مخالف است. اما مسئله این است که ما هیچ وقت به صورت منظم برای رسیدن به توسعه عزمان را جزم نکردیم و تبعاتش را هم نپذیرفتیم.

ببینید از نظر همه توسعه خوب است. هیچ وقت کسی پیدا نشد که بگوید با توسعه مخالف است. اما مسئله این است که ما هیچ وقت به صورت منظم برای رسیدن به توسعه عزمان را جزم نکردیم و تبعاتش را هم نپذیرفتیم.

ببینید از نظر همه توسعه خوب است. هیچ وقت کسی پیدا نشد که بگوید با توسعه مخالف است. اما مسئله این است که ما هیچ وقت به صورت منظم برای رسیدن به توسعه عزمان را جزم نکردیم و تبعاتش را هم نپذیرفتیم.

ببینید از نظر همه توسعه خوب است. هیچ وقت کسی پیدا نشد که بگوید با توسعه مخالف است. اما مسئله این است که ما هیچ وقت به صورت منظم برای رسیدن به توسعه عزمان را جزم نکردیم و تبعاتش را هم نپذیرفتیم.